

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره پنجاه و چهارم، تابستان ۱۴۰۳
مقاله مروری، صفحات ۱۶۳-۱۸۳

گروس: تحلیل نقش یک کریدور تاریخی در پیوند اقتصادی و فرهنگی شمال غرب و غرب ایران

محمدجعفر اشکواری^۱

کیمیا عباسیان هریس^۲

چکیده

منطقه گروس به عنوان یکی از کانون‌های کمترشناخته شده غرب ایران، در پیوند جریان‌های اقتصادی، فرهنگی و نظامی فلات مرکزی، آذربایجان و بین‌النهرین نقش محوری ایفا کرده است. این پژوهش با هدف تبیین جایگاه راهبردی گروس در شبکه‌های تجاری و تحلیل کارکردهای چندگانه اقتصادی، نظامی و فرهنگی آن، با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی سامان یافته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که موقعیت طبیعی گروس، شامل دشت‌های حاصلخیز، ارتفاعات و منابع آبی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری مسیرهای کاروانی و مراکز بازرگانی بوده است. این منطقه نه تنها به عنوان گذرگاه کالاهایی چون ابریشم، ادویه و فرآورده‌های دامی عمل می‌کرد، بلکه به دلیل استقرار در مسیرهای تجاری، کانون تبادلات فرهنگی و تعاملات قومی بود. همچنین، قلعه‌ها و استحکامات طبیعی گروس، امکان نظارت بر جریان‌های ارتباطی را فراهم می‌ساخت. این پژوهش در نهایت گروس را به عنوان یک «گره‌گاه ارتباطی» در تاریخ ایران معرفی می‌کند که کارکردهای فراتر از یک مسیر تجاری صرف داشته است.

کلیدواژه‌ها: بیجار، جغرافیای تاریخی، راه‌های تجاری، کریدور ارتباطی، گروس، مبادلات اقتصادی.

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران. ashkevari@znu.ac.ir

Orcid: 0000-0003-4957-2280

۲. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول).

kimiya3517@gmail.com

Orcid: 0009-0007-6466-3929

تاریخ پذیرش: ۰۳/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۰۳/۰۴/۱۰

Garrus: An Analysis of the Role of a Historical Corridor in the Economic and Cultural Link between Northwestern and Western Iran

Mohammad Jafar Ashkevari¹

Kimia Abbasian Haris²

Abstract

The region of Garrus, one of the lesser-known areas of western Iran, has played a pivotal role in connecting the economic, cultural, and military networks of the Iranian Plateau, Azerbaijan, and Mesopotamia. This study aims to elucidate the strategic position of Garrus within commercial networks and to analyze its multifaceted economic, military, and cultural functions. Employing a descriptive-analytical method based on library sources and historical documents, the research highlights the region's natural features—including fertile plains, highlands, and abundant water resources—as key factors in the development of caravan routes and trading centers. Garrus functioned not only as a transit point for goods such as silk, spices, and livestock products but also as a hub of cultural exchange and interethnic interaction due to its location along major trade routes. Furthermore, its fortresses and natural strongholds provided control over vital communication arteries. Ultimately, the study identifies Garrus as a “connective hub” in Iranian history—one whose significance extended far beyond that of a mere trade route.

Keywords: Bijar, historical geography, trade routes, communication corridor, Garrus, economic exchange.

1. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, University of Zanjan, Zanjan, Iran. ashkevari@znu.ac.ir

2. M.A. in History and Civilization of Islamic Nations, University of Zanjan, Zanjan, Iran (Corresponding Author). kimiya3517@gmail.com

درآمد

مطالعه جغرافیای تاریخی مناطق کمتر شناخته شده، امکان واکاوی لایه های پنهان تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران را فراهم می آورد. گروس، واقع در غرب ایران و در محل تلاقی سه حوزه فرهنگی-جغرافیایی کردستان، آذربایجان و همدان، از دیرباز نقش تعیین کننده ای در پیوند میان فلات مرکزی، آذربایجان و نواحی غربی کشور ایفا کرده است (مستوفی، ۱۳۵۰: ۲۳۸). موقعیت ممتاز جغرافیایی این منطقه، به ویژه دشت ها و ارتفاعات بیجار، زمینه ساز شکل گیری شبکه های کاروانی و تجاری منسجم شد و آن را به گذرگاهی حیاتی برای انتقال کالا، تبادل فرهنگی و کنترل تردد نظامی بدل ساخت.

شواهد متون تاریخی حاکی از آن است که گروس، علاوه بر نقش واسطه گری در مبادله کالاهای مهمی چون ادویه، ابریشم، فرآورده های کشاورزی و صنایع دستی نظیر قالی بیجار، از منظر راهبردی نیز اهمیت بالایی داشته است (ابن خردادبه، ۱۸۸۹: ۹۷). چنان که تسلط بر این گذرگاه، به منزله نظارت بر شبکه راه های غرب و مرکز ایران محسوب می شد. این امر، گروس را بارها به عرصه نبردهای منطقه ای تبدیل کرد و آثار تاریخی و استحکامات به جامانده، گواهی بر اهمیت راهبردی آن است.

این پژوهش با رویکردی تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع دست اول تاریخی و جغرافیایی سامان یافته است. داده ها از طریق شناسایی منابع معتبر، استخراج اطلاعات مربوط به راه ها، بازارها و ویژگی های طبیعی و انسانی، و تحلیل آنها در چارچوب جغرافیای تاریخی گردآوری شده اند. نوآوری این پژوهش در آن است که با رویکردی یکپارچه، ابعاد اقتصادی، نظامی و فرهنگی گروس را هم زمان بررسی می کند. در حالی که اغلب پژوهش های پیشین تنها به یکی از این جنبه ها بسنده کرده اند، این مقاله گروس را به عنوان یک «کریدور ارتباطی چندوجهی» معرفی می کند که کارکردهای متنوع آن در پیوندهای منطقه ای و فرامنطقه ای نقش آفرین بوده است.

پیشینه پژوهش

مطالعات صورت گرفته درباره منطقه گروس در پژوهش های معاصر، عمدتاً با

رویکرد جغرافیای تاریخی انجام شده است. فرخ سرشت (۱۳۹۸ش) در کتاب *جغرافیای تاریخی گروس* با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی و جغرافیایی، به بررسی جامع ویژگی‌های طبیعی و موقعیت راهبردی این منطقه پرداخته و جایگاه گروس را در شبکه‌های ارتباطی و نظامی ایران تبیین کرده است. هادی‌زاده (۱۳۹۰ش) در پژوهش خود با عنوان *جغرافیای تاریخی کردستان*، به تحلیل موقعیت گروس به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم اقتصادی و فرهنگی غرب ایران پرداخته و نقش آن را در مبادلات منطقه‌ای مورد بررسی قرار داده است. سلطانی (۱۳۷۹ش الف) در *تاریخ کردستان*، با نگاهی تاریخی به تحولات منطقه گروس، نقش این ناحیه را در دوره‌های مختلف تاریخی تحلیل کرده است. در همین زمینه، مریوانی (۱۳۹۰ش) در کتاب *گروس در گذرگاه تاریخ* با معرفی موقعیت جغرافیایی شهرستان بیجار گروس و ایلات و عشایر آن، تصویری تاریخی از اوضاع این ناحیه ارائه کرده است. فریدی مجید (۱۴۰۲ش) نیز در مقاله «برآمدن و برفتادن گروس در ساختار تقسیمات کشوری ایران» به تحلیل تحولات اداری و سیاسی این منطقه پرداخته است. با وجود این تلاش‌ها، آنچه در اغلب این پژوهش‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته، تحلیل جامع جایگاه راه‌های گروس در پیوند با تحولات سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی با رویکردی یکپارچه است. بیشتر این آثار به معرفی کلی موقعیت جغرافیایی یا توصیف ویژگی‌های محلی پرداخته‌اند، در حالی که بررسی دقیق نقش راه‌ها و گذرگاه‌های این منطقه در ساختار ارتباطی ایران، نیازمند پژوهشی مستقل و تحلیلی است.

جغرافیای طبیعی گروس

۱. موقعیت جغرافیایی و راهبردی

منطقه گروس به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و ویژگی‌های طبیعی منحصر به فرد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات تاریخی غرب ایران ایفا کرده است. این منطقه که در حدفاصل رشته‌کوه‌های زاگرس مرکزی و نواحی دشتی واقع شده، به‌عنوان پلی طبیعی میان فلات مرکزی ایران و مناطق غربی عمل می‌کرده است (مستوفی، ۱۳۵۰، ص. ۲۴۰). موقعیت ممتاز جغرافیایی گروس در تقاطع مسیرهای ارتباطی اصلی، این منطقه

را به کانون مبادلات تجاری و فرهنگی تبدیل کرده بود.

حمدالله مستوفی (ص. ۲۴۰) به موقعیت راهبردی گروس اشاره دارد و آن را از نواحی مهم میان‌راهی معرفی می‌کند که کاروان‌های متعدد از آن عبور می‌کنند. ابن خردادبه (۱۸۸۹، ص. ۸۵) نیز با ذکر دقیق مسیرهای تجاری، بر اهمیت گذرگاه‌های گروس در ارتباط میان مرکز و غرب ایران تأکید می‌ورزد.

۲. ارتفاعات منطقه

رشته‌کوه‌های گروس به‌ویژه ارتفاعات بیجار، نقاره‌کوت، نثار و زاغه، نقش دوگانه‌ای در توسعه منطقه ایفا می‌کردند. از یک سو، این ارتفاعات به‌عنوان موانع طبیعی، امکان دفاع از منطقه را فراهم می‌ساختند و از سوی دیگر، دامنه‌های آنها محیطی مناسب برای فعالیت‌های دامداری و کشاورزی ایجاد می‌کرد (فرخ‌سرشت، ۱۳۹۸، ص. ۳۴). وجود گذرگاه‌های کوهستانی متعدد، امکان کنترل و نظارت بر مسیرهای تجاری را برای ساکنان منطقه فراهم می‌ساخت. مقدسی (۱۳۷۳، ص. ۳۹۵) به وجود دژها و استحکامات طبیعی در نواحی کوهستانی غرب ایران اشاره می‌کند که نمونه‌های بارز آن در گروس قابل مشاهده است. مستوفی (۱۳۵۰، ص. ۲۴۰) نیز گروس را از نواحی صعب‌العبور دانسته که نقش راهبردی در نظام دفاعی حکومت‌های محلی و مرکزی ایفا می‌کرده است.

۳. دشت‌های حاصلخیز و قابلیت‌های کشاورزی

دشت‌های میان‌کوهی گروس، به‌ویژه دشت‌های قروه و دهگلان، از مهم‌ترین کانون‌های تولید کشاورزی در غرب ایران محسوب می‌شدند. حاصلخیزی خاک و دسترسی به منابع آبی کافی، امکان کشت گسترده غلات و حبوبات را در این دشت‌ها فراهم می‌ساخت (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶، ص. ۱۵۰).

این دشت‌ها نه تنها نیازهای محلی را برآورده می‌کردند، بلکه به‌عنوان پشتوانه‌ای برای مسیرهای کاروانی عمل می‌کردند. بلاذری (۱۳۸۵، ص. ۲۳۵) با ذکر راه‌های تجاری منطقه، بر اهمیت محصولات کشاورزی و دامداری گروس در تغذیه کاروان‌ها و

سپاهیان تأکید کرده است. از همین رو، تولیدات دامی و کشاورزی منطقه، به ویژه غلات و فرآورده های لبنی، بخش مهمی از مبادلات اقتصادی از طریق مسیرهای گروس را تشکیل می داد.

۴. منابع آبی

شبکه گسترده رودخانه ها و چشمه سارهای طبیعی، بستر مناسبی برای توسعه کشاورزی و استقرار سکونتگاه های پایدار در منطقه فراهم کرده بود. رودخانه قزل اوزن به عنوان اصلی ترین شریان آبی منطقه، نقش حیاتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی گروس ایفا می کرد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج. ۴، ص. ۲۵۹). این منابع آبی نه تنها ارزش اقتصادی داشتند، بلکه از منظر راهبردی نیز اهمیت می یافتند؛ چرا که دسترسی به آب کافی موجب استقرار کاروانسراها و بازارهای محلی در حاشیه راه ها می شد (مقدسی، ۱۳۷۳، ص. ۳۹۵). پژوهش های جدید نیز نشان داده اند که وجود رودخانه قزل اوزن و چشمه های دائمی گروس یکی از عوامل اصلی انتخاب این منطقه به عنوان گذرگاه کاروانی و محور ارتباطی غرب ایران بوده است (فرخ سرشت، ۱۳۹۸، ص. ۳۴).

۵. ویژگی های اقلیمی

اقلیم سرد و کوهستانی گروس تأثیر مستقیمی بر الگوهای معیشتی و شبکه های ارتباطی منطقه داشته است. زمستان های طولانی و پربرف، مسیرهای کوهستانی را برای مدت های طولانی غیرقابل عبور می ساخت و این امر بر زمان بندی حرکت کاروان ها و برنامه ریزی تجاری تأثیر مستقیم می گذاشت (کرمانی، ۱۳۶۴، ص. ۶۷). این ویژگی های آب و هوایی به طور مستقیم بر تولیدات کشاورزی و معیشت جوامع محلی اثر گذاشته است. محصولاتی چون گندم، جو و میوه های سردسیری، متناسب با اقلیم منطقه کشت می شد و تأمین کننده نیازهای ساکنان و کاروانیان بود (فرخ سرشت، ۱۳۹۸، ص. ۳۴). همچنین، چرخه دامداری فصلی - به ویژه پرورش گوسفند و بز - با شرایط سرد و کوهستانی سازگار بوده و بخشی از اقتصاد محلی را تشکیل می داد. این ویژگی های طبیعی در مجموع، گروس را به منطقه ای راهبردی تبدیل کرده بود که هم از نظر

اقتصادی و هم از جنبه نظامی، جایگاهی ویژه در جغرافیای تاریخی ایران پیدا کرده بود.

جایگاه تاریخی و جغرافیای انسانی گروس

۱. تحولات تاریخی از دوره باستان تا صفوی

منطقه گروس دارای پیشینه تاریخی کهنی است که به دوران پیش از اسلام بازمی‌گردد. اگرچه شواهد باستان‌شناسی کامل نیست، اما موقعیت راهبردی این منطقه نشان می‌دهد که احتمالاً در دوران باستان نیز به‌عنوان گذرگاهی مهم مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در دوره ساسانی، گروس به دلیل قرارگیری در مسیر ارتباطی بین مرکز و غرب ایران، از اهمیت راهبردی برخوردار بود.

با ظهور اسلام، گروس به تدریج در منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی ظاهر شد. ابن خردادبه (۱۸۸۹، ص. ۱۰۸) در *المسالك و الممالك* (تألیف در قرن سوم هجری) از گروس به‌عنوان یکی از منازل مهم میان‌راهی یاد می‌کند که کاروان‌ها و مسافران را از فلات مرکزی ایران به سوی آذربایجان و بین‌النهرین هدایت می‌کرد. در دوره سلجوقی، گروس، منطقه‌ای مهم در غرب ایران شناخته می‌شد. کرمانی (۱۳۶۴، ص. ۷۴) به نقش ارتفاعات گروس در مبارزات محلی این دوره اشاره دارد و از آن به‌عنوان پناهگاه طبیعی نیروهای مختلف نام می‌برد. دوره صفوی نقطه عطفی در تاریخ گروس محسوب می‌شود. در این دوره، گروس یکی از پایگاه‌های مهم قزلباشان شناخته می‌شد. اسکندر بیگ منشی (۱۳۷۷، ج. ۲، ص. ۴۱۰) از گروسیان به‌عنوان بخشی از قزلباشان یاد می‌کند که در کنار سایر طوایف ترک و کرد، نقش مهمی در تثبیت دولت صفوی داشتند.

۲. دوره افشاریه و زندیه

در دوره افشاریه، گروس همچنان یکی از مراکز مهم نظامی و ایلی به‌شمار می‌رفت. مردوخ (۱۳۰۲، ص. ۳۰۰) از حسینعلی خان گروسی، فرزند لطفعلی خان، به‌عنوان یکی از رجال نظامی عصر نادرشاه یاد می‌کند. اگرچه برخی منابع دیگر این گزارش را به‌طور کامل تأیید نکرده‌اند. در دوره زندیه، گروس شاهد تحولات سیاسی مهمی بود. اردلان (۱۳۴۰، ص. ۲۳) گزارش می‌دهد که کریم‌خان زند پس از ناآرامی‌های منطقه

شمال غرب، به گروس و سندج حمله کرد و دختر محمد امین خان حاکم گروس را به همسری گرفت. این وصلت موجب نزدیکی سیاسی و تقویت جایگاه امین خان شد.

۳. دوره قاجار: اوج اهمیت سیاسی و نظامی

دوران قاجار نقطه عطفی در تثبیت جایگاه تاریخی گروس به‌شمار می‌آید. در این دوره، گروس ابتدا بخشی از ایالت همدان محسوب می‌شد، اما بعدها در تقسیمات جدید به آذربایجان و خمره ملحق گردید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۱۴، ص. ۲۴). منابع تاریخی مختلف به نقش مهم گروس در جنگ‌های ایران و روس اشاره دارند. جهانگیر میرزا (۱۳۶۳، ص. ۲۲) از گروس به‌عنوان یکی از مسیرهای حرکت نیروها و محل استقرار نایب‌السلطنه یاد می‌کند. در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، نام امیرنظام گروسی با این منطقه گره خورد. حسنعلی خان امیرنظام که از رجال برجسته قاجاریه بود، همزمان حکمرانی گروس و کرمانشاه را برعهده داشت و نقش مهمی در مدیریت امور محلی ایفا کرد (افضل الملک، ۱۲۹۲، ص. ۲۰۰). منابعی چون *مرآت‌الوقایع مظفری* نیز به واگذاری حکومت گروس به عسگرخان سرتیپ توسط امیرنظام اشاره کرده‌اند (سپهر، ۱۳۷۷، ص. ۲۴۰).

۴. ساختار اجتماعی و قومی

جامعه گروس از تنوع قومی و فرهنگی قابل توجهی برخوردار بود. ساختار اجتماعی این منطقه مبتنی بر نظام قبیله‌ای و ایلی بود. سرافرازی (۲۰۱۹، ص. ۱۳۲) در پژوهش خود نشان می‌دهد که جامعه گروس متشکل از قبایل کرد با گویش‌های محلی (سورانی و گورانی) و گروه‌هایی از ترک‌زبانان بود. این تنوع قومی، ساختار اجتماعی پیچیده‌ای ایجاد کرده بود که در آن هر قبیله با نظام خاص مالکیت زمین و تقسیم کار اداره می‌شد. یوسفی (۱۳۹۵، ص. ۴۵) به بررسی دقیق این ساختارهای اجتماعی پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این تنوع قومی به غنای فرهنگی منطقه کمک کرده است.

۵. نظام اقتصادی و معیشتی

اقتصاد گروس بر سه پایه اصلی استوار بود: الف) کشاورزی: دشت‌های حاصلخیز

قروه و دهگلان امکان کشت گسترده غلات را فراهم می‌ساخت. ابن حوقل (۱۳۶۶، ص. ۱۵۰) به حاصلخیزی زمین‌های غرب ایران و نقش آنها در تأمین غلات برای دیگر نواحی اشاره می‌کند؛ ب) دامداری: ارتفاعات منطقه زمینه مناسبی برای پرورش دام بود. کرمانی (۱۳۶۴، ص. ۸۲) به نقش مراتع غنی گروس در توسعه دامداری اشاره دارد؛ ج) صنایع دستی: قالی بیجار شهرت فرامنطقه‌ای داشت. فرخ‌سرشت (۱۳۹۸، ص. ۳۴) نشان می‌دهد که تولید صنایع دستی، به‌ویژه قالی‌بافی، نه تنها نیازهای محلی را برآورده می‌کرد، بلکه به‌عنوان کالای تجاری در شبکه مبادلات منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌نمود.

۶. تحولات اداری و تقسیمات کشوری

مطابق با پژوهش فریدی مجید (۱۴۰۲، ص. ۱۲۵)، گروس از دوره صفوی تا اواسط دوره پهلوی، یکی از واحدهای اصلی تقسیمات کشوری غرب ایران شناخته می‌شد. این منطقه گاه تحت حاکمیت کردستان و گاه به‌صورت مستقل اداره می‌شد. بر اساس اسناد تقسیمات کشوری، گروس در قانون تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ یکی از شهرستان‌های استان غرب شناخته می‌شد، اما به‌تدریج و با تغییرات اداری، این نام از تقسیمات کشوری حذف و نام بیجار جایگزین شد.

۷. نقش در انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول

با آغاز انقلاب مشروطه، گروس همچنان در مدار تحولات سیاسی ایران باقی ماند. اگرچه این حوزه انتخابیه حق اعزام نماینده به مجلس شورای ملی را داشت، اما به دلیل درگیری‌های داخلی، نماینده‌ای از آن انتخاب نشد (اتحادیه، ۱۳۶۲، ص. ۲۲). در جریان جنگ جهانی اول نیز منابعی چون تبریزی و سپهر از آسیب‌های وارده به روستاهای گروس خبر می‌دهند. تبریزی (۱۳۳۱، ص. ۱۰۰) به غارت روستاهای گروس توسط نیروهای خارجی اشاره دارد. همچنین سپهر (۱۳۰۳، ص. ۲۳) از تخریب زیرساخت‌های تجاری گروس گزارش می‌دهد.

۸. ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی

منطقه گروس از نظر فرهنگی و مذهبی نیز دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود. کریمی (۱۴۰۰، ص. ۶۷) به نقش گروس به عنوان کانون تعاملات فرهنگی بین اقوام مختلف اشاره می‌کند. وجود مدارس دینی، مساجد و زیارتگاه‌های متعدد نشان‌دهنده عمق فرهنگی و مذهبی این منطقه است. مریوانی (۱۳۹۰، ص. ۱۲۳) به بررسی این مراکز فرهنگی و مذهبی پرداخته و نقش آنها در شکل‌گیری هویت منطقه‌ای را تحلیل کرده است. این تحولات تاریخی و ویژگی‌های انسانی، گروس را به منطقه‌ای با هویت فرهنگی و تاریخی غنی تبدیل کرده بود که در بخش‌های بعدی به تحلیل دقیق‌تر نقش آن در شبکه‌های تجاری و ارتباطی خواهیم پرداخت.

گروس کریدور ارتباطی

۱. موقعیت راهبردی در شبکه راه‌های تجاری

گروس به دلیل موقعیت جغرافیایی راهبردی خود در زاگرس غربی، یکی از شاه‌راه‌های مهم عبور کالا در غرب ایران محسوب می‌شد. ابن خردادبه (۱۸۸۹، ص. ۸۵) به صراحت اشاره می‌کند که یکی از مسیرهای اصلی انتقال کالا از بغداد و موصل به سمت ری، همدان و خراسان از گروس عبور می‌کرده است. این موقعیت ممتاز، گروس را به حلقه اتصال حیاتی بین مراکز اقتصادی مهم ایران تبدیل کرده بود. قادری (۱۳۹۰، ص. ۷۸) تأکید می‌کند که موقعیت گروس در تقاطع محورهای شمالی-جنوبی و شرقی-غربی، آن را به «چهارراه تجاری» غرب ایران مبدل ساخته بود. این ویژگی منحصر به فرد، امکان نظارت بر تردد کالا و اطلاعات بین مناطق مختلف را فراهم می‌آورد.

۲. شبکه راه‌های کاروانی اصلی

شبکه راه‌های کاروانی گروس شامل سه محور اصلی بود که هر یک کارکردهای خاص خود را داشت: الف) محور جنوبی-شمالی: این مسیر از همدان آغاز و پس از عبور از بیجار به سقز و سپس به ارومیه و تبریز متصل می‌شد. مستوفی (۱۳۵۰، ص.

(۲۱۰) به اهمیت این مسیر در انتقال کالاهای شمال به جنوب اشاره دارد. ابن حوقل (۱۳۶۶، ص. ۳۲۸) نیز از تردد کاروان‌های بزرگ در این مسیر گزارش می‌دهد. ب) محور غربی-شرقی: این شاهراه حیاتی، کاروان‌هایی از بغداد، کرمانشاه و موصل را پس از گذر از سنندج به قروه و بیجار هدایت می‌کرد و از آنجا به سمت زنجان و سلطانیه ادامه می‌یافت. یاقوت حموی (۱۹۹۵، ج. ۴، ص. ۳۴۶) به رونق این مسیر و نقش آن در اتصال بین‌النهرین به فلات مرکزی ایران اشاره دارد. ج) محورهای فرعی داخلی: این شبکه که شامل مسیرهای روستایی مانند دله، بابارشانی و یاسوکنند می‌شد، نقش حیاتی در اتصال سکونتگاه‌های پراکنده به مراکز اصلی تجاری داشت. فرخ‌سرشت (۱۳۹۸، ص. ۵۴-۶۰) در پژوهش خود نشان می‌دهد که این مسیرهای فرعی، امکان بهره‌برداری از تمامی قابلیت‌های اقتصادی منطقه را فراهم می‌آوردند.

۳. کاروانسراها و ایستگاه‌های میانی

کاروانسراها به‌عنوان ستون فقرات زیرساخت‌های تجاری گروس، نقش تعیین‌کننده‌ای در رونق تجاری منطقه ایفا می‌کردند. سلطانی (۱۳۷۹، ص. ۴۵) شمار و اهمیت این کاروانسراها را مورد تحلیل قرار داده است. ابن فقیه (۱۸۸۵، ص. ۲۹۷) به کیفیت و امکانات این کاروانسراها اشاره دارد: «کاروانسراهای گروس از حیث وفور آب و امکانات رفاهی و امنیت، از بهترین‌ها در غرب ایران بودند و قادر به پذیرش کاروان‌های بسیار بزرگ بودند». شاردن (بی‌تا، ج. ۴، ص. ۳۶۳)، به تبدیل شدن برخی کاروانسراهای عمده در مسیرهای گروس به پاسگاه‌های نظامی اشاره کرده است که هم در مواقع عادی به حفظ نظم کمک می‌کردند. در زمان بی‌ثباتی نیز تجار و نیروهای دولتی به این استحکامات پناه می‌بردند.

۴. سیستم مدیریت و امنیت راه‌ها

مدیریت و تأمین امنیت راه‌های تجاری گروس از پیچیدگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. مستوفی (۱۳۵۰، ص. ۲۴۰) به سیستم نظارتی دقیق حاکمان محلی بر مسیرهای تجاری اشاره دارد. اصطخری (۱۳۹۰، ص. ۹۸-۹۹) به وجود پاسگاه‌های

متعدد در فواصل معین اشاره می‌کند: «در مسیرهای گروس، برج‌های دیدبانی و پاسگاه‌هایی ایجاد شده بود که مأموران مستقر در آنها، ضمن نظارت بر تردها، امنیت کاروان‌ها را تا ایستگاه بعدی تضمین می‌کردند».

۵. کالاهای تجاری و جریان مبادلات

گروس به‌عنوان کریدور ارتباطی، شاهد انتقال انواع کالاها بود که مارکوپولو (بی‌تا، ص. ۲۵۶) به برخی از آنها اشاره کرده است: «کاروان‌های عبوری از گروس، حامل کالاهای متنوعی از جمله ابریشم خام و فرآوری شده، ادویه‌های هندی، فلزات گرانبها، منسوجات و فرآورده‌های دامی بودند». فرخ‌سرشت (۱۳۸۰، ص. ۵۴-۶۰) به تحلیل دقیق کالاهای مبادله‌شده در بازارهای گروس پرداخته و نشان می‌دهد که این منطقه نه‌تنها محل عبور کالا، بلکه مرکز تولید و توزیع بسیاری از فرآورده‌ها بوده‌است.

۶. اتصال به جاده ابریشم

گروس از طریق مسیرهای داخلی خود به‌عنوان شریان تغذیه‌کننده جاده ابریشم در بخش غربی ایران عمل می‌کرد. حمدالله مستوفی (۱۳۵۰، ص. ۲۱۰) در تأکید این نقش نوشته است: «مسیر غرب به شرق جاده ابریشم پس از عبور از موصل و سنندج، از قروه و بیجار به زنجان و تبریز می‌پیوست و این منطقه را به پل ارتباطی بین‌النهرین و راه‌های خراسان و ری تبدیل می‌کرد».

۷. نقش در اقتصاد منطقه‌ای

اقتصاد گروس تنها به تولید و تجارت کالا محدود نبود. یاقوت حموی (۱۹۹۵، ج. ۴، ص. ۳۹۵) به نقش چندوجهی این منطقه اشاره می‌کند: «گروس نه‌تنها کانون مبادله کالا، بلکه مرکز انتقال دانش، مهارت‌های فنی و فرهنگ بود. کاروان‌ها علاوه‌بر کالا، حامل ایده‌ها، تکنولوژی‌ها و آداب و رسوم بودند». کریمی (۱۴۰۰، ص. ۸۹) نشان می‌دهد که این تبادلات فرهنگی-اقتصادی، به شکل‌گیری هویت اقتصادی-فرهنگی متمایزی در گروس انجامیده بود.



۸. نظام مالی و بانکی

وجود صرافان و بانکداران محلی در گروس نشان از توسعه نظام مالی در این منطقه دارد. مصاحب (۲۰۰۵، ص. ۲۳۴) به حضور فعال صرافان یهودی و زرتشتی در بازارهای گروس اشاره می‌کند که خدمات مالی لازم برای تجارت منطقه‌ای را فراهم می‌آوردند. این نظام مالی پیشرفته، امکان انجام مبادلات پیچیده و تأمین مالی کاروان‌های بزرگ را فراهم می‌آورد و نقش مهمی در رونق تجاری منطقه ایفا می‌کرد.

کارکردهای نظامی-راهبردی گروس

۱. موقعیت دفاعی طبیعی و استحکامات

گروس به دلیل ویژگی‌های توپوگرافیک منحصر به فرد، از موقعیت دفاعی استثنایی برخوردار بود. بلاذری (۱۳۸۵، ص. ۲۳۷) به اهمیت راهبردی این منطقه در دفاع از مرزهای غربی ایران اشاره می‌کند: «گروس با دارا بودن ارتفاعات صعب‌العبور و دره‌های عمیق، دژ طبیعی در برابر تهاجمات از غرب تشکیل می‌داد. مهار این منطقه برای هر حکومت مرکزی، ضامن امنیت سرزمین‌های داخلی ایران بود».

۲. قلعه‌ها و دژهای نظامی

شبکه‌ای از قلعه‌ها و دژهای مستحکم در سراسر منطقه گروس احداث شده بود. اصطخری (۱۳۹۰، ص. ۹۹) به توصیف این استحکامات می‌پردازد: «قلعه قجه، قلعه بیجار و دژهای متعدد در ارتفاعات نقاره‌کوت و نثار، نه تنها امکان نظارت کامل بر مسیرهای ارتباطی را فراهم می‌آوردند، بلکه به عنوان پایگاه‌های عملیاتی و مراکز فرماندهی عمل می‌کردند». یاقوت حموی (۱۹۹۵، ج. ۵، ص. ۲۱۰) نیز بر استحکام و موقعیت سوق‌الجیشی این قلعه‌ها تأکید دارد: «قلعه‌های گروس بر بلندای کوه‌ها و مشرف بر گذرگاه‌های حیاتی ساخته شده بودند و امکان کنترل و نظارت بر تمامی تحرکات منطقه را فراهم می‌آوردند».

۳. سیستم دفاعی یکپارچه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که استحکامات دفاعی گروس به صورت یک سیستم یکپارچه

عمل می‌کرده‌اند: «قلعه‌های منطقه گروس به گونه‌ای طراحی شده بودند که بتوانند به صورت زنجیره‌ای و هماهنگ عمل کنند. سیستم ارتباطی مبتنی بر آتش و دود، امکان انتقال سریع پیام بین دژهای مختلف را فراهم می‌آورد» (قادری، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۳).

۴. نقش گروس در جنگ‌های ایران و روس

در دوره قاجار، گروس به‌عنوان یکی از مراکز مهم تأمین و سازماندهی نیروهای نظامی عمل می‌کرد. وقایع نگار کردستانی (۱۳۸۴، ص. ۱۰۹) به نقش فوج گروس در جنگ‌های ایران و روس اشاره می‌کند: «فوج گروس به فرماندهی نجفقلی خان و سپس پسرش محمدصادق خان گروسی، در نبردهای متعددی شرکت داشت. این نیروها که عمدتاً از جنگجویان محلی تشکیل می‌شدند، به دلیل آشنایی با منطقه، نقش مؤثری در عملیات‌های نظامی ایفا می‌کردند».

۵. پایگاه قزلباشان در دوره صفوی

گروس در دوره صفوی، یکی از پایگاه‌های مهم قزلباشان شناخته می‌شد. اسکندر بیگ (۱۳۷۷، ج. ۲، ص. ۴۱۰) به این موضوع اشاره دارد: «گروسیان به‌عنوان بخشی از قزلباشان، در کنار سایر طوایف ترک و کرد، نقش مهمی در تثبیت و حفظ حکومت صفوی داشتند. موقعیت راهبردی گروس، این منطقه را به محل استقرار دائمی نیروهای نظامی تبدیل کرده بود».

۶. سیستم امنیتی راه‌ها

تأمین امنیت راه‌های تجاری از وظایف مهم حاکمان محلی گروس بود. مستوفی (۱۳۵۰، ص. ۲۴۰) به این سیستم امنیتی اشاره می‌کند: «حاکمان گروس مسئولیت کامل امنیت مسیرهای تجاری را بر عهده داشتند. آنان نه تنها می‌بایست از کاروان‌ها در برابر راهزنان محافظت می‌کردند، بلکه به‌عنوان واسطه‌ای بین حکومت مرکزی و قبایل منطقه عمل می‌نمودند».

۷. گروس در دوره مشروطه و جنگ جهانی اول

در دوره مشروطه و جنگ جهانی اول، گروس بار دیگر اهمیت نظامی خود را نشان داد. اتحادیه (۱۳۶۲، ص. ۲۲) به این موضوع می‌پردازد: «اگرچه حوزه انتخابیه گروس حق داشتن نماینده در مجلس شورای ملی را داشت، اما به دلیل درگیری‌های داخلی و موقعیت حساس نظامی، هیچ‌گاه نتوانست نماینده‌ای به مجلس اعزام کند».

۸. ژئوپلیتیک نظامی منطقه

منابع تاریخی از استقرار دائمی نیروهای نظامی در گروس خبر می‌دهند. مارکوپولو (بی‌تا، ص. ۲۵۶) در سفرنامه خود به این موضوع اشاره می‌کند: «در بازارها و گذرگاه‌های مهم گروس، نیروهای نظامی مستقر بودند که ضمن حفظ نظم، بر اخذ عوارض و تضمین امنیت تجارت نظارت داشتند».

بررسی‌ها نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی گروس تأثیر مستقیمی بر کارکردهای نظامی آن داشته است: «ویژگی‌های طبیعی گروس از جمله ارتفاعات صعب‌العبور، گذرگاه‌های راهبردی و دشت‌های گسترده، نه تنها بر استقرار جمعیت، بلکه بر الگوهای نظامی و راهبردی منطقه تأثیر گذاشته است. این ویژگی‌ها باعث شده بود که گروس در طول تاریخ همواره به عنوان منطقه‌ای راهبردی مورد توجه قدرت‌های مختلف باشد» (فرخ‌سرشت، ۱۳۹۸، ص. ۴۷).

گروس به دلیل موقعیت جغرافیایی، نقش مهمی در پشتیبانی لجستیکی نیروهای نظامی ایفا می‌کرد. کرمانی (۱۳۶۴، ص. ۸۵) به این موضوع اشاره دارد: «مراتع غنی و منابع آبی گروس، امکان استقرار طولانی مدت نیروهای نظامی را فراهم می‌آورد. همچنین، موقعیت این منطقه در مسیرهای ارتباطی، انتقال سریع نیرو و تجهیزات را ممکن می‌ساخت».

گروس به عنوان منطقه‌ای مرزی، نقش حیاتی در دفاع از قلمرو ایران ایفا می‌کرد. شاردن (بی‌تا، ج. ۴، ص. ۳۶۳) در این زمینه می‌نویسد: «در دوره‌های مختلف تاریخی، گروس به عنوان خط مقدم دفاع در برابر تهاجمات از غرب عمل می‌کرد. استحکامات این منطقه بارها در برابر حملات مختلف ایستادگی کرده‌اند». این کارکردهای نظامی -

راهبردی، گروس را به منطقه‌ای حیاتی در سیستم دفاعی ایران تبدیل کرده بود که در کنار نقش اقتصادی و فرهنگی آن، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ ایران به این منطقه بخشیده بود.

تبادلات فرهنگی و اجتماعی گروس

موقعیت گذرگاهی گروس موجب شد که این منطقه نه تنها در اقتصاد بلکه در فرهنگ نیز نقشی کلیدی ایفا کند. مسیرهای کاروانی به مثابه رگ‌های ارتباطی، فضایی برای تبادل دانش، هنر، زبان و رسوم میان مناطق مختلف فراهم می‌کردند. بازارهای محلی بیجار و قروه در این میان نقش دوگانه داشتند: هم مراکز مبادله کالا بودند و هم کانون تعامل اجتماعی و فرهنگی. همچنین، زنان با فعالیت‌هایی چون قالی‌بافی و صنایع دستی، در حفظ و انتقال فرهنگ محلی سهمی بنیادین داشتند (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج. ۴، ص. ۳۹۵؛ اتحادیه، ۱۳۶۲، ص. ۶۷).

۱. گروس کانون تعاملات فرهنگی

گروس در چهارراه ارتباطی ایران قرار داشت و محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف بود. ساختار اجتماعی آن متشکل از اقوام کرد، ترک و آذری بود که هر یک سهم مهمی در شکل‌گیری هویت فرهنگی منطقه داشتند (سرافرازی، ۲۰۱۹، ص. ۱۳۵). این تعاملات نه تنها در زبان و رسوم، بلکه در معماری، صنایع دستی و شیوه‌های معیشت نیز انعکاس یافته است.

۲. انتقال دانش، فنون و نقش بازارها

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مسیرهای تجاری گروس بستری برای انتقال دانش و فنون در حوزه کشاورزی، دامداری و صنایع دستی بوده است (فرخ سرشت، ۱۳۹۸، ص. ۷۲). تکنیک‌های قالی‌بافی گروس، که تلفیقی از نقش‌ها و رنگ‌های مناطق مختلف بود، نمونه‌ای روشن از این تبادلات است. بازارهای محلی نیز افزون‌بر نقش اقتصادی، کانون‌های مهم تبادل فرهنگی محسوب می‌شدند؛ جایی که ایده‌ها، رسوم و باورها همزمان با کالاها مبادله می‌شد.



۳. مراکز آموزشی، مذهبی و نقش مذهب

مراکز آموزشی و مذهبی گروس — شامل مکتب‌خانه‌ها، مدارس دینی، مساجد و زیارتگاه‌ها — افزون‌بر کارکرد معنوی، مراکز حفظ و انتقال دانش بومی و ایجاد پیوندهای اجتماعی بودند (مریوانی، ۱۳۹۰، ص. ۴۵؛ مصاحب، ۲۰۰۵، ص. ۳۴۲). مذهب نیز نقشی بنیادین در ساختار اجتماعی ایفا می‌کرد و همزیستی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب مختلف، ویژگی بارز جامعه گروس بود (مریوانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۷).

۴. هنرهای سنتی و هویت فرهنگی

هنرهای سنتی، به‌ویژه قالی‌بافی، بازتابی از هویت فرهنگی گروس بودند. نقوش و طرح‌های قالی علاوه‌بر ارزش هنری، بیانگر باورها، اسطوره‌ها و محیط طبیعی منطقه‌اند و می‌توانند به‌عنوان منبعی برای مطالعه تاریخ فرهنگی منطقه به‌کار روند (سلطانی، ۱۳۷۹: ۸۸).

۵. نقش زنان در انتقال فرهنگ

زنان گروس نقش محوری در انتقال فرهنگ داشتند. فعالیت‌هایی چون صنایع‌دستی، آموزش زبان و رسوم بومی، و حفظ هنر قالی‌بافی باعث شد که آنان حاملان اصلی هویت فرهنگی منطقه باشند (اتحادیه، ۱۳۶۲، ص. ۶۷). در دوره‌های تحول سیاسی و اجتماعی، این نقش حتی پررنگ‌تر شده‌است.

۶. ادبیات شفاهی و موسیقی محلی

ادبیات شفاهی و موسیقی محلی گروس — شامل ترانه‌ها، داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها — رسانه‌ای برای انتقال ارزش‌ها، باورها و تاریخ محلی بودند (یوسفی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۶). این میراث فرهنگی، جهان‌بینی و نظام ارزشی مردم را بازتاب می‌دهد و بخشی از هویت فرهنگی گروس را شکل داده‌است.

۷. تأثیرپذیری از تحولات سیاسی و تعاملات قومی

تحولات سیاسی از دوره صفوی تا قاجار، تأثیر عمیقی بر ساختار اجتماعی و

فرهنگی گروس داشت. تغییر حکومت‌ها اغلب با دگرگونی در زبان، هنر و روابط اجتماعی منطقه همراه بود (فریدی مجید، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۸). همزمان، تعاملات بین‌قومی میان کردها، ترک‌ها و آذری‌ها فرهنگی ترکیبی و منحصربه‌فرد پدید آورد که در معماری، پوشش و غذاهای محلی نمایان است (کریمی، ۱۴۰۰، ص. ۹۱).

۸. فرهنگ راه و هویت منطقه‌ای

فرهنگ راه، حاصل ارتباط مداوم با مسافران و کاروانیان، موجب شکل‌گیری هویتی باز و پویا در گروس شد (قادری، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۵). این ویژگی گروس را از دیگر مناطق همجوار متمایز ساخت و جایگاه آن را به‌عنوان کانونی فرهنگی - اقتصادی تثبیت کرد.

نتیجه

تحلیل جایگاه تاریخی گروس در جغرافیای ایران نشان می‌دهد که این منطقه نمونه‌ای بارز از تعامل چندبعدی عوامل طبیعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در شکل‌گیری یک قانون تمدنی منطقه‌ای است. موقعیت راهبردی گروس در تقاطع محورهای اصلی ارتباطی غرب ایران، آن را به «گره‌گاه ارتباطی» حیاتی در شبکه مبادلات اقتصادی و فرهنگی کشور تبدیل کرده بود. این پژوهش نشان داد که گروس فراتر از یک گذرگاه ساده، به کریدوری چندوجهی بدل شده بود که کارکردهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی را به‌طور هم‌زمان ایفا می‌کرد. از منظر اقتصادی، دشت‌های حاصلخیز قروه و دهگلان، مراتع گسترده و منابع آبی فراوان، گروس را به یکی از مراکز تولید و توزیع کالاهای راهبردی در سطح منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای تبدیل کرد. اتصال مستقیم این منطقه به جاده ابریشم نیز نقش آن را در اقتصاد بین‌المللی غرب ایران پررنگ‌تر ساخت. در بعد نظامی-راهبردی، ویژگی‌های توپوگرافیک و وجود استحکامات متعدد، گروس را به دژی طبیعی در برابر تهدیدات خارجی بدل می‌کرد. اسناد تاریخی به‌روشنی بیانگر آن است که تسلط بر این منطقه همواره یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت‌های مرکزی بوده و نقش آن در جنگ‌های مهمی چون نبردهای ایران و روس برجسته بوده‌است. از منظر فرهنگی-اجتماعی نیز، موقعیت گذرگاهی گروس باعث شد این منطقه به محل تلاقی و تلفیق فرهنگ‌های گوناگون بدل گردد. انعکاس این تنوع در معماری، زبان، آداب و رسوم، صنایع دستی (مانند قالی بیجار) و حتی ساختار اجتماعی قابل مشاهده است. نقش زنان در انتقال میراث فرهنگی و توسعه نظام آموزشی محلی، وجهی متمایز به هویت فرهنگی منطقه بخشیده است. نوآوری این پژوهش در آن است که با رویکردی یکپارچه، ابعاد اقتصادی، نظامی و فرهنگی گروس را به‌طور هم‌زمان بررسی کرده و آن را به‌عنوان یک کریدور ارتباطی چندبعدی در تاریخ ایران بازشناسی می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که مناطق ظاهراً حاشیه‌ای می‌توانند در تحولات کلان تاریخ ایران نقشی محوری ایفا کنند و از این منظر، توجه به مناطق میانی و گذرگاهی، برای دستیابی به تصویری جامع‌تر از تاریخ تمدنی ایران ضروری است.

منابع

- ابن حوقل، ابوالقاسم (۱۳۶۶ش). صورة الارض. ترجمه جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن خردادبه، عبيدالله بن احمد (۱۸۸۹). المسالك و الممالك. تهران: ميراث ملل.
- ابن فقيه، ابوبکر احمد بن محمد (۱۸۸۵). مختصر كتاب البلدان. ليدن: انتشارات مطبعة بريل.
- اتحاديه، منصوره (۱۳۶۲ش). رضائى خان نظام السلطنة. تهران: تاريخ ايران.
- اردلان، شيرين (۱۳۴۰ش). خاندان كرد اردلان. تهران: اميرکبير.
- اسکندر بيگ منشى (۱۳۷۷ش). تاريخ عالم آراى عباسى. تهران: اميرکبير.
- اعتمادالسلطنة، محمدحسن (۱۳۱۴ش). مرآت البلدان. تهران: دانشگاه تهران.
- افضل الملک، غلامحسين (۱۲۹۲). افضل التواريخ. تهران: نشر تاريخ ايران.
- اصطخرى، ابراهيم بن محمد (۱۳۹۰ش). مسالك و ممالك. تهران: علمی و فرهنگى.
- بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۳۸۵ش). فتوح البلدان. بيروت: دار مكتبة الهلال.
- تبريزى، محمدحسين (۱۳۳۱ش). تاريخ تبريز. تبريز: کتابفروشى تهران.
- جهانگير ميرزا (۱۳۶۳ش). تاريخ نو. تهران: علمى.
- مستوفى، حمدالله بن ابى بکر (۱۳۵۰ش). نزهة القلوب. تهران: دنياى کتاب.
- سپهر، عبدالحسين (۱۳۷۷ش). مرآت الوقايع مظفرى. تهران: ميراث مکتوب.
- سپهر، احمدعلى (۱۳۰۳ش). ايران در جنگ بزرگ. تهران: علم.
- سرافرازى، عباس (۲۰۱۹). «تحولات اجتماعى منطقه گروس». مطالعات ايرانى، ۱۲ (۳)، ص ۱۲۰-۱۴۵.
- سلطانى، محمدعلى (۱۳۷۹ الف). تاريخ کردستان. سنج: علمى.
- _____ (۱۳۷۹ ب). جغرافياى تاريخى و تاريخ مفصل کرمانشاهان. تهران: سها.
- شاردن، ژان (بى تا). سفرنامه شاردن. ترجمه محمدعلى اسلامى. تهران: توس.
- فرخ سرشت، على (۱۳۹۸). جغرافياى تاريخى گروس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانى.
- _____ (۱۳۸۰). بازارهاى تاريخى غرب ايران. تهران: اميرکبير.
- فريدى مجيد، فاطمه (۱۴۰۲). برآمدن و برفتادن گروس در ساختار تقسيمات كشورى ايران. پژوهشنامه تاريخهاى محلى ايران، سال ۱۱، شماره ۲، ص ۱۲۳-۱۳۶.



- قادری، فرید (۱۳۹۰). نقش راه‌ها در تحولات غرب ایران. تهران: فرهنگ.
- کرمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۴). سلجوقیان و غز در کرمان. تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی. تهران: نوین.
- کریمی، اصغر (۱۴۰۰). توسعه فرهنگی غرب ایران. تهران: اساطیر.
- مارکوپولو (بی‌تا). سفرنامه مارکوپولو. تهران: ققنوس.
- مردوخ، بابا (۱۳۰۲). تاریخ مشاهیر کرد. تهران: سروش.
- مریوانی، محمد (۱۳۹۰). گروس در گذرگاه تاریخ. تهران: فقه.
- مصاحب، غلامحسین (۲۰۰۵). دایرةالمعارف فارسی. تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱ش). احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- وقایع نگار کردستانی، علی اکبر (۱۳۸۴ش). جغرافیا و تاریخ کردستان (حدیقه ناصریه و مرآت الظفر). به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
- هادی‌زاده، منصور (۱۳۹۰). جغرافیای تاریخی کردستان. تهران: نگاه معاصر.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵). معجم البلدان. بیروت: دار صادر.
- یوسفی، کاظم (۱۳۹۵). فرهنگ مردم و هویت منطقه‌ای گروس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی.